



سعید برنـد

معاون سردبیر روزنامه خراسان

## حالا وقت پشت میز نشینی نیست

در دنیای رسانه، «مطبوعات محلی» از جایگاه ارزنده‌ای برخوردارند چرا که می‌توانند بی‌آن که گرفتار سیل جریانات خبری باشند، به انعکاس نیازها، کاستی‌ها و ظرفیت‌های منطقه تحت پوشش خود بپردازند و نقشی اثرگذار در اعتلا و توسعه آن ایفا کنند اما متأسفانه در کشور ما، مطبوعات محلی چندان مورد توجه نبوده و حتی کارکرد اصلی خود را از دست داده‌اند. «مشکلات مالی» اولین موضوعی است که از روزنامه‌های محلی، یک‌بولتن‌نامه می‌سازد. چرا که بسیاری از روزنامه‌های محلی، اتصال به سازمان‌ها و ادارات را تنها راه زنده نگه داشتن خود می‌دانند و عاقبت آن چیزی که به چاپ می‌رسد، چیزی جز «مجیزنامه» همان سازمان‌ها نیست. «نبود خبرنگار آن حرفه‌ای» دلیلی دیگر در پانگرفتن روزنامه‌های محلی در ایران است. متأسفانه در بسیاری از این روزنامه‌ها، اعضای تحریریه را کارمندان روابط عمومی سازمان‌ها تشکیل می‌دهند که در واقع هر یک، بلندگوی سازمان و اداره خویش است. آفت دیگری که به جان روزنامه‌های محلی افتاده است، سردبیرانی هستند که می‌پندارند آن‌چه باعث تاثیرگذاری‌شان می‌شود، پوشش اخبار ملی و بین‌المللی است و در این تفکر باطل آن‌چنان غرق می‌شوند که دیگر پیگیری مشکلات محله‌ای را دور از شان روزنامه‌شان قلمداد می‌کنند و در نهایت آن‌چه به مخاطب ارائه می‌دهند، کپی ضعیف از یک روزنامه ملی است! اما روزنامه «خراسان رضوی» سعی داشته از این آفت‌ها مبرا باشد و همچنان به عنوان یک روزنامه محلی، خدمت‌رسانی کند. یکی از مهم‌ترین مولفه‌های دستیابی به این هدف بزرگ، حضور خبرنگاران در میان مردم محله‌های شهر است. «تریبون محله» که حالا رفته رفته وارد یک سالگی خود می‌شود، نمادی از همین حضور است. آیتمی که هر هفته به یکی از محلات شهر می‌رود و خبرنگار، نیم‌روزی را با مردم محله همراه می‌شود تا مشکلات را ببیند و پیگیری کند. آن‌چه در این میان مهم است، حضور مسئولان در کنار خبرنگار است. از مدتی قبل پیشنهاد شد که شهرداران مناطق نیز در کنار خبرنگار تریبون محله حضور داشته باشند، که مورد قبول شهرداری واقع شد. این هفته نیز شهردار مشهد، شخصا به گشت و گذار آمد و وعده داد از این هفته پای ثابت تریبون محله باشد. چرا که تریبون محله، تریبونی برای مردم و مسئولان است. پیش از این فرمانده وقت نیروی انتظامی مشهد نیز در دئوئیت با خبرنگار ما همقدم شد و پاسخ گویی چهره به چهره با مردم در محل سکونت‌شان را تاجر به کرد. حالا وقت آن است که سایر مدیران و مسئولان، به‌خصوص مدیران کل دستگاه‌های اجرایی و خدمات‌رسان از پشت میزهای خود بلند شوند و با حضور در محلات و کوچه پس‌کوچه‌های شهر، به سوالات مردم پاسخ دهند و مطمئن باشند آن‌چه خودشان می‌بینند و می‌شنوند، متفاوت از گزارش‌هایی است که توسط زیرمجموعه‌شان به دست‌شان می‌رسد.

# ۴ هفته ۴ محله

تریبون محله به چهلمین شماره رسید. از شما مخاطبان همیشه همراه صفحه حرف مردم می‌خواهیم به این بهانه به تریبون محله نمره بدید و نظراتان در باره عملکرد ما در این ۴ هفته را به گوش‌مان برسانید. سامانه پیامکی ۰۹۹۹۲۰۰۰ و شماره تلگرامی ۰۲۷۳۳۳۳۳۳۹۳۰ آماده دریافت پیام‌های شما در باره تریبون محله با **«تریبون محله»** است. در ادامه، بارمذ این صقحه، در جریان روز و زمانی که خبرنگار و عکاس خراسان قرار است به محله‌تان سر بزنند، قرار بگیرید و ما را در اولویت‌بندی برای سرزن در به محله‌های مشهد راهنمایی کنید.

## حرف مردم

فرمان‌فرمای

۴۰ پنج‌شنبه‌ها با

تریبون محله فرمان‌فرمای

اهالی «سناباد» چهره به چهره با «محمدرضا کلایی» از مشکلات‌شان می‌گویند

# چهل‌مین تریبون محله با شهردار مشهد



برایمان اهمیت دارد؛ پس مهم است حس تعلق خاطر و احساس مسئولیت درباره مفهوم محله. بدرغم تمام موانع، حفظ شود. همان‌هدفی که «تریبون محله»، ۴۰ هفته پیاپی، با گشت و گذار در ۴۰ محله مختلف مشهد و پرس‌وجو از اهالی درباره کموکاستی‌های منطقه و تلاش برای رفع‌شان، دنبال کرده و می‌کند. هدفی که شهردار مشهد را هم در چهلمین شماره، به همراهی با تریبون محله ترغیب کرد؛ یک گشت و گذار دوساعته در محله کودکی شهردار که در کنار خاطر بازی، به شنیدن گلایه‌های اهالی محله سناباد و پاسخ‌گویی دقیق و با حوصله شهردار، سپری شد. شهر مشهد، ۱۷۰ محله کوچک و بزرگ دارد که سرکشی به تک‌تک‌شان و نشستن پای در دل ساکنان‌اش، برنامه بلندمدت و پیش‌روی تیم تریبون محله است؛ برنامه‌ای که پیش از این با حضور شهردار منطقه‌ای که محله در آن واقع شده بود، اتفاق می‌افتاد و از این به بعد با وعده شهردار، با حضور پرنرگ «محمدرضا کلایی» شکل می‌گیرد.

**گزارش: آذر صدارت | عکس‌ها: میثم دهقانی |** تعریف ویکی‌پدیایی محله، فضا و منطقه‌ای است که محل سکونت متمرکز تعدادی خانواده که همسایه یکدیگر به حساب می‌آیند، باشد. مفهوم انسانی محله‌اما، چیزی فراتر از این است. محله برای بیشتر ما، همان منطقه‌ای است که خانه پدری‌مان، خانه‌ای که آن‌جابه دنیا آمده‌ایم‌وقد کشیده‌ایم، در آن قرار گرفته. جایی که احتمالا اولین تجربه دوستی و معاشرت با همسالان، مشارکت در فعالیت‌های جمعی یا تعلق خاطر به حرم‌زندگی را می‌چشیم و حال و هوا و دیوار و درخت و مسجد و مدرسه‌اش، یک‌خاطره جمعی برای ساکنان به حساب می‌آید که در ادامه، به یک‌جور دلبستگی نوستالژیک تبدیل می‌شود. دلبستگی که در حال کم‌رنگ شدن است اما نیا بد از دست برود؛ چرا که آبادی هر منطقه، در کنار خدمات‌ده‌ریت شهری، نیازمند مشارکت جمعی است و مشارکت جمعی شکل نمی‌گیرد جز به‌واسطه احساس مسئولیت در برابر موضوعی که

#### ● بچه‌پولدار نبودم

فلسطین ۲۱، واقع در منطقه یک شهرداری مشهد، محله کودکی و نوجوانی دکتر کلایی است. محله‌ای ۱۰۳ هکتاری و ۱۱ هزار و ۳۷ نفری که این سال‌ها، جزو مناطق برخوردار شهر به حساب می‌آید؛ شهردار اما در پاسخ به این شوخی که ایس شما بچه‌پولدار بودی»، می‌گوید: «نه. بچه‌پولدار نبودم. خانواده من از سال ۵۷ به خیابان فلسطین آمدند و تا ۲۰ سالگی من، یعنی سال ۷۹ در ساختمان پلاک ۱۷ همین محله زندگی می‌کردیم. به‌الان نگاه نکنید؛ چهار پنج دهه پیش، این جاب‌بیبابان بود و ساکنان این منطقه، مرفه به حساب نمی‌آمدند. من بچه تنبلی بودم؛ به این معنی که زیاد از خانه بیرون نمی‌رفتم و رفیق و همبازی خاصی در محله نداشتم. دبستانم، مدرسه سالیانی در کوی دکتر بود و راهنمایی و دبیرستان، سمپادی بودم به مدارس استعدادهای درخشان، حوالی میدان فردوسی می‌رفتم. سمپادی‌ها هواسطه اعتماد به نفس زیادشان، معمولاً بچه‌پرور و آب در می‌آمدند؛ پررو بای‌به معنی مثبتش که به یک‌جور نشاط اجتماعی منجر می‌شد.»



#### ● پرسه شبانه شهردار تمام‌وقت، در محله‌های شهر

هرچند شهردار مشهد، به‌گفته خودش، از مخاطبان صفحه حرف مردم و آیتم تریبون محله است، اما برای یادآوری، مشغول مرور محله‌هایی هستم که در ۴۰ هفته اخیر، مقصد تریبون محله بودند که با شنیدن نام‌یکی دوحمله، از جامی‌پرد، عکس‌های ذخیره شده در تلفن همراهش از همان محله‌ها را نشان می‌دهد و می‌گوید: «اتفاق همین یکی دوشب قبل، حدود ساعت ۱۲، از این محله‌ها بازدید داشتم. این برنامه بیشتر آخ‌شرب‌های من است و همکارانم این را می‌دانند و اگر پیشنهادی برای رصد شرایط محله و منطقه‌ای داشته باشند، حدود ساعت ۱۲ شب پیام می‌دهند و من هم همان موقع، تایادم هست و فرصت دارم، می‌روم و سری‌زنم. به همین دلیل، از حال و هوا و مشکلات محله‌های مشهد مطلع و پیگیر بهبود شرایط‌شان هستم.»

#### ● خانه یا دفتر کار؟ پیادرو یا پارکینگ؟ مسئله این است!

پیاده‌روهایی که تبدیل به محل پارک خودرو شده‌اند عملاً برای عابران، بلا استفاده‌اند! این پرنرگ‌ترین تصویر خیابان‌های فلسطین،

سناباد و راهنمایی است. محله‌ای که در گذر زمان، از بافت مسکونی به تجاری، تغییر شکل داده و تعداد زیادی از واحدهای قبلاً مسکونی‌اش، حالا تبدیل به دفاتر تجاری و حقوقی و محل رفت و آمد افراد زیادی به‌عنوان کارمند و مدیر و مُراجع شده‌اند. شهرداری مشهد برای مدیریت این چالش، برنامه‌ای دارد؟ کلایی توضیح می‌دهد: «برخلاف برخی محله‌های اصطلا‌حا در انتظار نوسازی مثل هاشمیه و نسترن که می‌توان این‌جنس مشکلات‌شان را با تمهیداتی حل کرد، برای محله فلسطین که یک منطقه آماده نوسازی نیست، کار زیادی نمی‌شود کرد. نمی‌گوییم ارندارد، حتماه ارندارد، منتها در مشهد جواب نمی‌دهد؛ مثلاً با ایجاد پارکینگ‌های مکانیزه ه محله، تا حدی می‌توان مشکل پارک خودرو در پیاده‌رو را برطرف کرد اما چندان تاثیر ی ندارد. یا می‌شود سخت‌گیری برای صدور مجوز تجاری موقت جهت استفاده از واحدهای مسکونی به‌عنوان دفتر کار را بیشتر کرد؛ اما هزینه اجتماعی‌اش بالا می‌رود و در این شرایط کسب و کار کساده، به‌صلاح نیست.»

#### ● ایجاد پارانداز بله حذف لاین

#### ● دوچرخه‌سواری نه!

چندین مرد جوان اطراف کلایی حلقه می‌زنند و در حالی که شهردار را به سمت خیابان سناباد هدایت می‌کنند، با آب و

تاب توضیح می‌دهند: «یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های خیابان سناباد، مسیری است که برای دوچرخه‌سواران، در سمت مقابل مغازه و فروشگاه‌های این خیابان که بیشتر، عرضه‌کننده خدمات تاسیساتی هستند، ایجاد شده. امثال ما که برای این فروشگاه‌ها بار می‌آوریم، از آن‌جا که این مسیر، پل و بارانداز برای تخلیه بار ندارد، مجبوریم مغازه‌رویمان را دوبله و سوبله پارک و بار ۳۰۰ کیلویی را از وسط خیابان کول کنیم تا مغازه، نتیجه، ترافیک و حشتناک خیابان، جریمه توسط افسر راهنمایی و رانندگی و البته خرد و خمیر شدن کتف و کمرمان است. خواهش می‌کنیم برای حل این مشکل فکری بکنید.» همین‌طور که به لاین عبور دوچرخه‌زن دیک می‌شویم، به تعداد معترضان به مسیر دوچرخه‌سواری در این خیابان اضافه می‌شود. آن‌ها تاکید می‌کنند: «به‌خاطر تعداد معدودی دوچرخه‌سوار که از این مسیر استفاده می‌کنند، کسبه و باربران و خودروهای عبوری، به‌دردرس افتاده‌اند. نباید اول فرهنگ استفاده از دوچرخه‌جامی افتاد، بعد این مسیر تعبیه می‌شد؟»

شهردار مشهد، به‌دقت حرف‌ها را می‌شنود و بعد، شمرده پاسخ می‌دهد: «به‌شکل کلی، مسیرهای عبور دوچرخه شهر مشهد، تا امروز در خیابان‌هایی اجرا شده که حدود چهار و نیم لاین عرض دارند و نیم‌لاینی که بابت عبور دوچرخه حذف می‌شود، قرار بوده عادت غلط پارک‌دوبل را ریشه‌کن کند و هزینه به‌سطح شهر آمدن خودروهای تک‌سرنشین را بالا ببرد. از مسیر دوچرخه که نمی‌توان صرف‌نظر کرد، چون آماده‌سازی زیرساخت و فرهنگ‌سازی استفاده از شکل‌های سالم و متنوع حمل و نقل مثل دوچرخه و اسکوتر در کلان‌شهرها، باید به موازات هم اتفاق بیفتد و هیچ کدام مقدم بر دیگری نیست اما وجود رودی و بارانداز در این لاین، برای تخلیه سریع و چنددقیقه‌ای بار یا تغییر فرم مسیر از میله‌هایی که مانع باز شدن در خودرو است به گل‌میخ، الزامی و قابل قبول است و در این باره حق با شماست و حتماً پیگیر ایجاد آن از سوی سازمان حمل و نقل و ترافیک، خواهیم بود.»

#### ● مشهد گردی به سبک ایام نوجوانی

پس از یک پیاده‌روی مفصل در محله کودکی شهردار مشهد و گپ و گفت با تعداد زیادی از اهالی، دوست دارم بدانم کلایی، بچه‌محل‌هایش را به یاد می‌آورد و کسی از اهالی سابق محله هست که هنوز باهم در ارتباط باشند؟ می‌خندد و پاسخ می‌دهد: «راستش من خیلی اهل گشت و گذار در محله نبودم؛ به‌جایش یک تفریح خاص، عجیب و شیرین داشتم. از اول راهنمایی به مدت ۶-۷ سال، مهم‌ترین سرگرمی من این بود که خطوط مختلف اتوبوس را سوار شوم، تا ایستگاه آخر بروم و تمام مسیر به در و دیوار شهر زل‌زنم و باز یک خط دیگر و خط‌های دیگر را امتحان کنم. از سنای‌ما می‌رفتم فلکه آب، از فلکه آب می‌رفتم احمدآباد و این ماجرا ادامه داشت. این که الان جزئیات تمام کوچه‌خیابان‌های مشهد را بلدم، به همین پیشینه بر می‌گردد؛ فکر کن: ۳۰۰ بار یک مسیر را می‌رفتم و بر می‌گشتم و برای همین هم، مشهد‌شناسی ام خیلی خوب است.»



#### ● پیادرو خراب، در انتظار ترمیم و به‌سازی

انتهای فلسطین ۲۱، درست همان جایی که خیابان، به یک دوراهی تبدیل می‌شود و یکی دودرخت کهنسال توت، بر سر اهالی و عابران سایه انداخته، پیاده‌رو به‌شدت خراب و پرچاله چوله است. زن سالمندی که با چادر نامزد سفید گلدار، جلوی در خانه‌اش ایستاده و، وقتی متوجه حضور شهردار برای رصد مشکلات محله می‌شود، می‌گوید: «این جارا ببینید؛ همیشه دلهره دارم پای خودم یا عابران، توی یکی از این چاله‌ها گیر کند و پیچ بخورد. از زمانی که رفتگر محله، این پیاده‌رو را جارو می‌کند هم‌نگویم؛ از شدت گرد و خاک، خفه می‌شوی. وقت بارندگی هم، بر که‌ای درست می‌شود که بیا و ببین. شهردار، حرف این مادر را تایید می‌کند و توضیح می‌دهد: «به‌سازی پیاده‌روهای معابر فرعی، اولویت شهرداری نیست اما از آن‌جا که این نقطه واقعا خراب است، حتماً بازسازی‌اش می‌کنیم.»



می‌توان این تغییرات مثبت و ضروری در شهر را به شکل یک پوشش مردمی، با همکاری خود شهروندان، اجرا کرد و پیش‌برد؟ مهم‌ترین مشکل مشهد برای رسیدن به شهر ایده‌آل چیست؟ پاسخ کلایی به این سوال، قابل تأمل است: «واقعیت این است که سرمایه اجتماعی‌مان به معنی اعتماد و مشارکت مردمی، ضعیف است. مردم مشهد، مشه‌دار را به هزار و یک دلیل، خیلی دوست ندارند. هرچند می‌توان با راهکارهایی مثل ایجاد یک جهش اقتصادی، این علقه را ایجاد کرد. این اتفاق، درباره استانبول، دقیقاً به‌واسطه رونق و رشد اقتصادی و تمایزبخشی، میسر شد. به همین دلیل، فکر و ذکر من این است که مثلاً تا خرداد سال آینده، آمار رشد اقتصادی مشهد دورقمی باشد تا دلبستگی مشهدی‌ها روز به روز به شهرشان عمیق‌تر شود؛ هرچند کار سختی است.»

#### ● کاش مردم مشهد، مشهد را دوست داشته باشند

مدیریت یک کلان‌شهر مهم مثل مشهد، حتماً نیازمند طراحی و اجرای برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت‌ریز و درشتی است. شهردار مشهد، درباره یکی از جدیدترین این طرح‌ها می‌گوید: «چند وقت قبل به خودم گفتم: تصور کن روزی که دوره کاری‌ات به‌عنوان شهردار مشهد تمام شود، حسرت‌چه کارهایی را که می‌توانستی انجام بدهی و ندادی می‌خوری؟ این فکر، شد مبدأ خلق طرح «۵۰ پروژه»؛ ۵۰ پروژه مهم در حوزه مدیریت شهری و فرهنگ شهرنشینی که اجرایش در شهری مثل مشهد، ضروری است. مثلاً یکی از مهم‌ترین‌هایش، جانداختن قانون و فرهنگ کاهش سرعت خودرو و و حق تقدم عابر پیاده است که هدف نهایی کاهش میانگین سرعت خودروها در شهر و الزام‌شان به ترمز، پشت خط‌کشی عابر پیاده را دنبال می‌کند» و